

راهبرد دوگانه در قانون اساسی مشروطه و جمهوری اسلامی برای تحدید نفوذ خارجی

مصطفی جهانبخش^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۱۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۲۱

چکیده:

انقلاب‌ها پدیده‌های هستند که ساختارهای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه را دگرگون ساخته و نظم جدیدی برقرار می‌سازند. تثبیت نظم جدید در عصر مدرن مبتنی بر تدوین قانون اساسی است. بنابراین در دو انقلاب بزرگ عصر مدرن در ایران، انقلابیون پس از پیروزی، تدوین قانون اساسی را در اولویت قرار دادند. با توجه به اینکه قوانین اساسی دارای وجوه متعددی هستند در این نوشتار سعی شده است رویکرد انقلابیون نسبت به کنترل نفوذ و تحدید قدرت خارجی در تدوین قانون اساسی مورد بررسی قرار گیرد. شایان ذکر است با توجه به فاصله زمانی عصر حاضر با زمان تدوین دو قانون اساسی، برای درک دقیق‌تر متون این دو قانون، از روش سه وجهی اسکینری مبتنی بر تحلیل مؤلف، متن و شرایط اجتماعی، استفاده شده است. بررسی‌های صورت گرفته بر اساس روش مذکور، بیانگر این است که تحدید قدرت و کنترل نفوذ خارجی یکی از دغدغه‌های اصلی و مشترک کنشگران دو انقلاب بوده است. ولی رویکرد و راهبرد کنشگران در دو انقلاب در این خصوص باهم متفاوت است. به نحوی که راهبرد قانون اساسی مشروطه، دفاعی و مبتنی بر حفظ حریم ایران از دست‌اندازی قدرت‌های بزرگ است در مقابل راهبرد قانون اساسی جمهوری اسلامی برای کنترل نفوذ خارجی، تهاجمی و بسط حوزه تمدنی اسلامی شیعی در آن سوی مرزهای ایران اسلامی است.

واژگان اصلی:

قانون اساسی، مشروطه، جمهوری اسلامی، سیاست خارجی، روحانیت، روشنفکران

^۱ . دانشجوی دکتری علوم سیاسی گرایش مسائل ایران دانشگاه تهران و پژوهشگر مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
m.jahanbakhsh@ut.ac.ir

مقدمه

یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین نگرانی‌های ایران‌زمین از گذشته دور تاکنون بلاشک تهدیدات خارجی است زیرا حافظه تاریخی ایرانیان مملو از تهاجم و اشغال توسط بیگانگان بوده که خسارت‌های زیادی را بر فرهنگ و تمدن ایران تحمیل نموده است. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۱: ۷۷)

از این رو کنترل و نحوه مواجهه با تهدیدات خارجی از مهمترین دغدغه‌های تاریخی ایران بوده است. این نگرانی تاریخی در عصر جدید به ویژه پس از انقلاب مشروطه و ایجاد بسترهای مشارکت عموم مردم تقویت شده است. از این رو در متن قانون اساسی مشروطه، کنترل و تحدید نفوذ خارجی به صورت ویژه مورد توجه قرار گرفته است. شرایط پس از انقلاب مشروطه در زمان حکومت پهلوی اول و دوم از جمله واگذاری برخی امتیازات و جدایی مجدد بخش‌هایی از سرزمین ایران موجب شد حساسیتها نسبت به دست اندازی قدرتهای خارجی و نفوذ آنها در راستای امتیاز گیری، دوباره به عنوان یکی از خواسته‌های انقلابیون مطرح شود. اما نکته اساسی مورد توجه این پژوهش شیفت پارادایمی ایجاد شده در رویکردها در روابط خارجی پس از انقلاب اسلامی (رضایی پناه و حاجی یوسفی، ۱۳۹۷: ۴۶) نسبت به دوران پیش از آن است. این پژوهش به دنبال بررسی و مطالعه تغییرات صورت گرفته در دو مقطع زمانی، از طریق مقایسه قوانین اساسی مشروطه و جمهوری اسلامی است. زیرا قانون اساسی در عصر جدید مبنای تشکیل ساختار رسمی دولت، قدرت‌ها و نهادهای مرکزی حکومت و حقوق شهروندان و حوزه محدودیت‌ها و وظایف حکومت است (قوام، ۱۳۷۳: ۳۲) و از این منظر از اهمیت فراوانی برخوردار است. با این حال مطالعه مقایسه ای دو قانون اساسی بافاصله زمانی و در شرایط متفاوت اجتماعی و سیاسی بدون در نظر گرفتن عوامل موثر بر تدوین آن ناقص خواهد بود بر همین اساس از روش اسکینر استفاده شده است. بر اساس این روش باید زمینه‌های اجتماعی و سیاسی و نیت و مقاصد مولفان قوانین اساسی به عنوان پیش نیاز مقایسه دو متن در نظر گرفته شود. تلاش شده است در سایه مقایسه سه وجهی اسکینر، علت تغییر راهبرد در سیاست خارجی ایران در دو مقطع زمانی مذکور را درک کرد.

۱- ادبیات پژوهش

با توجه به شیفت پارادایمی در سیاست خارجی ایران پس از انقلاب اسلامی و تحولات اساسی ایجاد شده در منطقه و سطح نظام بین الملل (مشیر زاده، ۱۳۹۷: ۴۶) عمده مطالعات انجام شده در این

حوزه به بررسی تأثیر انقلاب اسلامی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران معطوف شده است. در ادامه به برخی از مهمترین آثار در این حوزه اشاره شده است. حمیرا مشیرزاده در مقاله «از گفتمان انقلاب اسلامی تا گفتمان سیاست خارجی» به دنبال فهم تأثیر تکوینی انقلاب اسلامی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است. از نظر وی این تأثیر در چارچوب دالهای اصلی استقلال، مقاومت و عدالت قابل تفسیر است. امیر رضایی پناه و امیرمحمد حاجی یوسفی در اثر «مبانی عمل گرایانه موعود گرایی در گفتمان سیاست خارجی امام خمینی(س)» ضمن تأکید بر تأثیر اندیشه امام خمینی در گفتمان سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، این اثر گذاری را بر مبنای دوگانه مستضعف - مستکبر در سه سطح ایدئولوژیک، استراتژیک و دیپلماتیک تبیین می نمایند. حبیب الله فاضلی در نگاهی انتقادی به قانون اساسی جمهوری اسلامی در مقاله «استقلال قوا و سیاست خارجی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران» معتقد است که به دلیل عدم شفافیت قانون اساسی در مشخص کردن حدود و اختیارات تصمیم گیری و قانون گذاری در دو قوه مجریه و مقننه، زمینه تفسیرهای گاه متضاد فراهم شده است. از این رو باید تفسیری مبتنی بر اصل کارآمدی از قانون اساسی در سیاست خارجی صورت گیرد. همچنین در آثاری دیگر از جمله «اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از منظر قانون اساسی» نوشته ملیحه بهشتی و دیگران و همچنین «مبانی دینی اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران» نوشته عباسعلی عمید زنجانی و محمد مهدی توکلی، بر برخی اصول مورد توجه در قانون اساسی از جمله نفی سلطه پذیری، نفی سلطه جویی، حمایت از مسلمانان و احیای اندیشه امت اسلامی، حمایت از مستضعفان، حمایت از پناهندگان و روابط صلح آمیز متقابل با دولتهای غیر محارب و ریشه های آن در دین اسلام اشاره شده است.

با وجود غنای مطالعات انجام شده در حوزه تأثیر قانون اساسی جمهوری اسلامی بر سیاست خارجی، در حوزه تأثیر قانون اساسی مشروطیت بر سیاست خارجی مطالعات محدودی صورت گرفته است. در این رابطه حمیدرضا سعیدی نیا و زینب فتحی در مقاله «گفتمان مشروطیت و تأثیر آن بر روابط خارجی (۱۲۸۵-۱۲۹۹)» معتقدند گفتمان مشروطیت حول دال های مربوط به امور داخلی از جمله استبداد بوده که زمینه ساز غفلت از سیاست خارجی شده که در نهایت منجر به بسط سلطه قدرت های خارجی شده است. از این رو علاوه بر فقدان مطالعات موثر در حوزه تأثیر قانون اساسی

مشروطه بر سیاست خارجی، در حوزه مطالعات مقایسه این دو قانون در حوزه سیاست خارجی نیز پژوهشی صورت نگرفته است. شایان ذکر است در مواردی دیگر این مقایسه انجام شده از جمله در مقاله‌های «مقایسه مفهوم حاکمیت ملی در قوانین اساسی مشروطه و جمهوری اسلامی ایران»، «مطالعه تطبیقی مفهوم «قلمرو» و «قلمروسازی» در قوانین اساسی مشروطه و جمهوری اسلامی ایران»، «مقایسه قانون اساسی مشروطه و جمهوری اسلامی در سلطنت و اصل ولایت»، «جایگاه حقوق کیفری در قانون اساسی مشروطه و قانون اساسی جمهوری اسلامی» و «هویت مدنی در قانون اساسی مشروطه و جمهوری اسلامی ایران» به مقایسه برخی موضوعات در قوانین اساسی دو انقلاب پرداخته شده است. بنابراین با عنایت به خلا مطالعات انجام شده، در این پژوهش تلاش شده است بحث کنترل و نفوذ سیاست خارجی در دو قانون اساسی مورد توجه قرار گیرد.

۲- چارچوب نظری

از دیرباز فهم دقیق متون تاریخی یکی از مهم‌ترین دغدغه‌ها و نگرانی‌ها بوده است که بارزترین آن در فهم متون مقدس نمایان شد. شناخت متن قانون اساسی به‌عنوان یک متن تاریخی، نیازمند روش و متد مشخص است. هدف اصلی تفسیر به‌عنوان یکی از ابزارهای درک متون تاریخی، درک معنا و کشف قصد و نیت اصلی مؤلف یا مولفان است. روش‌ها و متدهای مختلفی برای تفسیر متون تاریخی مورد استفاده قرار گرفته است. روش‌های مؤلف محور و زمینه محور در این خصوص وجود دارند. (نوذری، پورخدقلی، ۱۳۸۹: ۹۸ و ۹۹) ولی هر دو این روش‌ها بخشی از حقیقت را کشف می‌نمایند. به نحوی که شناخت دقیق یک اثر تاریخی نیازمند واکاوی دوجانبه در نیت مؤلف و زمینه‌های شکل‌گیری این متن است. از نظر اسکینر بررسی عقاید و باورهای پیشینیان نیازمند درک صحیح رویکرد آنها است. به بیان دیگر وجود تناقضات در اندیشه‌های پیشینیان ما را باید این نقطه برساند که در درک دقیق از باورهای آنها ناتوان بوده ایم و باید نگاه عمیقی با توجه به باورهای اندیشمندان و پیشینیان به موضوعات مطرح شده توسط آنها داشته باشیم. (اسکینر، ۱۳۹۳: ۱۰۹) در این راستا یکی از عمده مشکلات در مسیر شناخت بهتر متون تاریخی، تفسیر و تحلیل آنها بر اساس ادراکات و مفاهیم مورد شناخت است. به بیان دقیق‌تر برای درک امور ناآشنا و تاریخی، از ابزارهای آشنا و فهم موجود استفاده می‌شود. (اسکینر، ۱۳۹۳: ۱۱۲) بنابراین برای شناخت یک متن تاریخی

علاوه بر خود متن باید دو نکته اساسی دیگر را در نظر داشت تا بتوان به بهترین وجه متن مورد نظر را مورد بررسی و شناخت قرار داد.

اولین نکته بدیهی که باید در نظر داشت این است که معانی واژه‌ها در طی زمان ممکن است تغییر کنند زیرا «هر اظهار نظر یا گفته ای به طرز گریز ناپذیری تجسم نیتی خاص است که در موقعیتی خاص، به حل مسئله خاص توجه دارد و از این رو چنان به بافت یا زمینه اش محدود می شود که کوشش برای فرارفتن از آن بسیار ساده اندیشان است.» (اسکینر، ۱۳۹۳: ۱۵۹) بر همین اساس می توان گفت تفسیر و شناخت یک متن که دارای یک فاصله تاریخی از زمان تفسیر آن است بدون در نظر گرفتن بافت یا زمینه سیاسی و اجتماعی آن، دقیق نمی باشد. از این رو شناخت بافت و بسترهایی که متن در آن شکل گرفته است از اهمیت فراوانی برخوردار است.

نکته دوم اهمیت درک نیت و قصد نویسنده در نگارش یک متن برای مخاطبان خاص در یک دوره تاریخی است زیرا آنچه که نویسنده ای درباره آموزه معینی می گوید ممکن است به صورت راهنمای گمراه کننده برای رسیدن به آنچه منظورش بوده است درآید. بنابراین برای فهم و درک متون تاریخی، باید مقصود احتمالی نویسنده را درک کرد. (اسکینر، ۱۳۹۳: ۱۴۵) از این رو، اسکینر بر این امر اصرار می ورزد که هدف اصلی مفسر، اثبات معنای متن است و این معنا صرفاً با قرائت خود متن به دست نمی آید بلکه برای دستیابی به آن باید در پس آن انگیزه‌ها و نیات مؤلف و زمینه اجتماعی و زبانی نگارش آن را جستجو نمود. (محمود پناهی، ۱۳۹۴: ۱۵۷)

با عنایت به اینکه متن قوانین اساسی مشروطه و جمهوری اسلامی در دو برهه تاریخ و توسط دو گروه از مولفان تدوین شده است، مقایسه رویکرد دو متن مذکور برای تحدید نفوذ قدرتهای بزرگ نیازمند بکارگیری روشی مناسب برای تحلیل دقیق تر است از این رو در این پژوهش از روش اسکینر برای بررسی دو متن مذکور بهره برداری شده است.

۳- قانون اساسی مشروطه

دو ماه پس از صدور فرمان مشروطه، (۱۴ مرداد ۱۲۸۵) با انتخابات تهران نخستین دوره مجلس قانون گذاری ایران افتتاح شد. قانون اساسی مشروطه که شامل ۵۱ ماده است در تاریخ ۸ دی ۱۲۸۵ هجری شمسی پس از کش و قوس های فراوان با امضای مظفرالدین شاه رسمیت یافت. وی ۱۰ روز

پس از امضای آن درگذشت. به دلیل تعجیل در تدوین قانون اساسی به سبب شرایط اجتماعی سیاسی زمانه و ترس از قدرت‌یابی مخالفان مشروطه، بسیاری از نکات در آن مغفول ماند. از این رو مجلس شورای ملی در اولین فرصت متمم قانون اساسی را با ۱۰۷ اصل تدوین کرد که در تاریخ ۱۴ مهر ۱۲۸۶ با امضا محمدعلی شاه رسمیت یافت.

۱-۳. زمینه‌های انقلاب مشروطه:

جریان مشروطه یکی از بزرگ‌ترین حوادث سیاسی ایران‌زمین است و در مورد شروع و آغاز شکل‌گیری مشروطه در میان صاحب‌نظران اتفاق‌نظری وجود ندارد. ولی «از نظر تحلیل عینی، حرکت تغییر و تحول فکری و اجتماعی در ایران همچون در سایر جوامع راکد اسلامی، فقط در برخورد با مدنیت جدید غربی به وجود آمد.» (آدمیت، ۱۹۸۵: ۲۲۵) آشنایی ایران با مدنیت و پیشرفت غربی در ابتدا توسط مسافران فرنگ بود در این رابطه می‌توان به سفرنامه ابوالحسن خان شیرازی ملقب به ایلچی با عنوان حیرت نامه یاد کرد. به‌مرور زمان سؤال از علت اصلی عقب‌ماندگی جایگزین حیرت از پیشرفت‌های غربی شد. قشر روشنفکران ایرانی و غرب دیدگان آغازگران نهضت علل عقب‌ماندگی از غرب بودند زیرا آنها توانسته بودند این عقب‌ماندگی را درک کنند. شکست ایران از روسیه و تحمیل قراردادهای ترکمانچای و گلستان تبعات بسیار آن در جامعه ایران، موجب فراگیر شدن نهضت در جامعه ایرانی شد. بر همین اساس عباس میرزا پس از شکست در نبرد با روس‌ها در پی علل عقب‌ماندگی ایران و چرایی آن برآمد. (زرگری نژاد، ۱۳۸۶: ۸۰)

تأثیر و نفوذ کشورهای غربی در ایران از سال ۱۸۰۰ میلادی با فشار نظامی روس و سپس انگلیس آغاز شد. نیروهای نظامی روس با استفاده از تجهیزات مدرن ارتش ایران را منهزم نموده و قراردادهای خفت‌بار گلستان و ترکمانچای را بر ایران تحمیل کردند. انگلیس نیز با استفاده از تسخیر نواحی جنوبی ایران، معاهده پاریس را بر ایران تحمیل کرد. نفرت ایرانیان از دست‌اندازی قدرتهای بزرگ در پایان سده نوزدهم به حدی بود که سیاحان اروپایی، بیگانه‌ترسی و تعصب مذهبی را از جنبه‌های ذاتی فرهنگ مردمی ایران قلمداد می‌کردند ولی در واقع بیشتر این خصوصیات پیامد ناخواسته نفوذ بیگانگان بود. (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۹۴) معاهدات جدید دیپلماتیک موجبات سلطه اقتصادی روس و انگلیس و زمینه‌ساز افزایش حجم کلی تجارت خارجی ایران تا هشت برابر گردید. بنابراین

شکست‌های نظامی به امتیازات دیپلماتیک منجر شد و امتیازات دیپلماتیک باعث امتیازات تجاری و آماده‌سازی نفوذ اقتصادی شد. در پی نفوذ اقتصادی صنایع سستی تضعیف و آشفتگی اجتماعی به وجود آمد. (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۶۶) به بیان دیگر امتیازات اعطایی به دول خارجی تمامی شئون زندگی مردمان را تحت تأثیر قرار داده و در تمامی ارکان زندگی ایرانیان قابل لمس بود. واکنش در برابر قرارداد رژی و فرمان جهاد در برابر روسیه از جمله نمونه‌های عکس‌العمل مردم نسبت به حضور دول خارجی و انزجار و نفرت از عملکرد آن‌ها در ایران است. فشار از سوی جامعه ایرانی باعث شد که در داخل ساختار حکومت فکر ایجاد تغییرات شکل گرفته یا حداقل افراد خواهان تغییرات تقویت شوند. در مورد اول می‌توان به تفکرات ناصرالدین‌شاه برای تغییرات و در مورد دوم به تقویت جناح اصلاح‌طلبان داخل حکومت مانند امیرکبیر، مشیرالدوله و ... اشاره کرد. بنابراین ناصرالدین‌شاه تحت تأثیر امیرکبیر و میرزا حسین‌خان سپهسالار (مشیرالدوله) از سال ۱۲۷۵ دست به اقداماتی برای ترقی و نوسازی امور مملکتی زد. فرمان تأسیس نهادهایی چون دیوان‌خانه عدالت، مجلس وزرا، مجلس تنظیمات حسنه و ... را صادر کرد که این امور موجب تقویت دولتمردان اصلاح‌طلب و ترقی‌خواه درون و برون دستگاه قدرت گردید. (زرگری نژاد، ۱۳۸۲: ۱۱۴) ولی این اصلاحات با وجود تأثیرات مثبت عقیم ماندند. امیرکبیر با فشار درباریان در حمام فین به قتل رسید و سپهسالار نیز در پی فشارهای صورت گرفته مجبور به ترک ایران و باقی‌مصلحین نیز به طریقی خاموش شده یا به حاشیه قدرت رانده شدند.

شاید ذکر است حرکت اصلاحی در دوران ناصرالدین‌شاه سینوسی بوده و فراز و فرود فراوانی داشت. بنابراین اصلاحات و تغییرات به نتیجه نمی‌رسید و عقیم می‌ماند. از سوی دیگر به دلیل ضعف در ساختار سستی، بی‌کفایتی شاهان ایرانی و دست‌اندازی‌های مکرر بیگانگان به خاک و کسب امتیازات متعدد موجب گردید مبارزه با استبداد و استعمار خارجی سرلوحه جنبش مشروطه قرار گیرد. (مطهری، ۱۳۹۰: ۱۳) به بیان دیگر شکست تغییرات و اصلاحات درون ساختار سیاسی موجب گسترش و شیوع آن به درون جامعه گردید. مشروطه خواهان با ایجاد مجلس و به تبع آن قانون اساسی از یک‌سو در فکر محدود نمودن قدرت شاه و از سوی دیگر در فکر جلوگیری از غارت اموال و دارایی‌های ایران زمین توسط دول خارجی بودند. بنابراین تحدید نفوذ خارجی‌ان و جلوگیری

از دست‌اندازی به منافع ایران از مهم‌ترین دغدغه‌های مشروطه خواهان بوده که در قانون اساسی نمود یافته است.

۲-۳. نویسندگان قانون اساسی مشروطه

اولین روزنه‌های تدوین قانون اساسی برای تسهیل بهتر امور مملکت با اصرار روشنفکران و در زمان ناصرالدین‌شاه صورت گرفت. پس از سومین سفر ناصرالدین‌شاه در سال ۱۳۰۷ هجری قمری که با هماهنگی سپهسالار (مشیرالدوله) صورت گرفت. حرف اول ناصرالدین‌شاه این بود که «تمام ترقی و پیشرفت اروپا به جهت داشتن قانون است بر همین اساس توصیه می‌نماید که باید شروع به نوشتن قانون نماییم و البته بر این موضوع تأکید می‌نمایند.» (آدمیت، ۱۹۸۵: ۱۲) از این رو هیئت پنج نفره‌ای به ریاست ملک آرا که به اصول قانون‌گذاری غربی آشنا بود برای تدوین قانون اساسی تشکیل شد. پس از ملک آرا، امین‌الدوله ریاست گروه را برعهده گرفت که تنها بر قوانین اروپایی تأکید داشت و به جایی هم نرسید. (آدمیت، ۱۹۸۵: ۱۳) نکته مهم انتخاب ملک آرا و امین‌الدوله که گرایش غربی داشته و در صدد تدوین قانون بر اساس قوانین اساسی اروپا بودند، به رأس هیئت می‌باشد. بنابراین نخستین فعالیت برای تدوین قانون اساسی با هدایت روشنفکران متمایل به غرب، آغاز می‌گردد. با توجه با اینکه تفکر مشروطیت یا حکومت مردمی که یکی از اصول مدنیت غربی بود به وسیله روشنفکران در جامعه ایران منتشر شد حضور آنها در رأس هرم امری طبیعی می‌نمود. در ادامه نیز طبقه مرفعی روحانیت به آن تمایل یافت و با استفاده از تفسیر اصولی و شرعی به حمایت از آن برخاست. از این رو سید محمد طباطبایی از روحانیون فعال در مشروطه اظهار می‌دارد:

«ما مشروطیت را که خودمان ندیده بودیم ولی آنچه شنیده بودیم، و آنهایی که ممالک مشروطه را دیده به ما گفتند مشروطیت موجب امنیت و آبادی مملکت است. ما هم شوق و عشقی حاصل نموده، تا ترتیب مشروطیت را در مملکت برقرار نمودیم.» (آدمیت، ۱۹۸۵: ۲۲۶)

مطالب فوق از یک روحانی بلندپایه در مشروطه حکایت از هدایت جریان مشروطه توسط روشنفکران و حمایت روحانیون مرفعی از آنهاست که این موضوع پس از انقلاب مشروطه و در مجلس اول که عهده‌دار تدوین قانون اساسی بود نمایان شد. از طبقات شش‌گانه رأی‌دهندگان، تنها طبقه روحانی و شاهزادگان از افراد گروه خود بودند و مابقی طبقات بنا بر دستورنامه انتخاباتی که «رأی‌دهندگان مجبور

نیستند از صنف و طبقه خودشان انتخاب کنند» می‌توانستند افراد خارج از طبقه خود را به نمایندگی برگزینند و این امر زمینه‌ساز حضور بیشتر نخبگان و ترقی خواهان شد که در جامعه دست بالاتر را در جریان مشروطه داشتند. به‌عنوان مثال در حوزه انتخابیه تهران که مهم‌ترین حوزه بود تنها پنج گروه شاهزادگان و قاجاریه (چهار نماینده)، علما و طلاب (چهار نماینده)، تجار (ده نماینده)، ملاکین و فلاحین (ده نماینده) و اصناف (از هر صنفی یک نفر - مجموعاً سی‌ودو نماینده) حق شرکت در انتخابات را داشتند. (میرزاصالح، ۱۳۸۴: ۷۶۱) بدین ترتیب مجموع کلای تهران شصت نفر بودند، و این در حالی بود که جمع نمایندگان سایر نقاط کشور از نودوشش نفر تجاوز نمی‌کرد که علت اصلی آن دوری مسیر و نبود امکانات جاده‌ای و ارتباطاتی بود. (قصریان فرد و خسروی زاده، ۱۳۹۱: ۵۶۵)

جدول شماره ۱) تعداد نمایندگان بر اساس ایلات و ولایات

ردیف	ایالات و ولایات	تعداد نماینده
۱	تهران	۶۰
۲	آذربایجان	۱۲
۳	خراسان و سیستان	۱۲
۴	گیلان و طالش	۶
۵	مازندران، فیروزکوه و دماوند	۶
۶	قزوین، سمنان و دامغان	۶
۷	کرمان و بلوچستان	۶
۸	فارس و بنادر	۱۲
۹	عربستان و لرستان	۶
۱۰	کرمانشاه	۶
۱۱	کردستان و همدان	۶
۱۲	اصفهان و یزد و کاشان و قم	۱۲
۱۳	عراق و ملایر	۶

به دلیل دوری راه و تأخیر در انتخاب و حضور نمایندگان سایر شهرها، نمایندگان تهران، مجلس شورای ملی را تشکیل دادند، زیرا که اصل ششم قانون اساسی نیز مقرر داشت که: «متخبین تهران لدی الحضور حق انعقاد مجلس را داشته مشغول مباحثه و مذاکره می‌شوند؛ رأی ایشان در مدت غیبت متخبین ولایات به اکثریت مناط اعتبار و اجراست.»

دو عامل اساسی در گسترش نفوذ روشنفکران در مجلس مؤثر بود نخست آزادی رأی‌دهندگان در انتخاب افرادی خارج از صنف و طبقه خود زمینه‌ساز حضور بیشتر روشنفکران در مجلس شد و دیگری عدم علاقه روحانیت برای شرکت گسترده در مجلس شورای ملی. فریدون آدمیت در مورد پایگاه اجتماعی و طبقه نمایندگان عقیده دارد به دلیل انتخاب افرادی خارج از طبقات مورد اشاره در نظامنامه، عملاً نگاه طبقاتی به مجلس اول کمرنگ شده و نوعی جناح‌بندی سیاسی شکل گرفت. به این صورت که مجلس اول محل استقرار چهار گروه سنت‌خواهان، میانه‌روان، ترقی‌خواهان و عناصر لیبرال و تندروان یا انقلابیون بود. البته با فرض فقدان انضباط و ساختار حزبی درست و قطعی در میان این گروه‌ها، سنت‌خواهان از روحانیون سنت‌گرا بوده که سیاست مشروطه‌طلبی را تعرض به اعتقادات دینی می‌دانستند. در مقابل گروه میانه‌روان مشروطه‌خواه از مجتهدان، بازرگانان و اصناف تشکیل شده بود که در بیشتر موارد با ترقی‌خواهان هم‌رأی و هم‌دل بودند. از سوی دیگر ترقی‌خواهان و عناصر رادیکال عموماً از روشنفکران جدید بودند. نکته مهم اینکه رهبری فکری مجلس اول شورای ملی را نمایندگان ترقی‌خواه و رادیکال به دست گرفتند. احتشام‌السلطنه برجسته‌ترین شخصیت سیاسی مجلس اول، صنیع‌الدوله بانی نظم پارلمانی و سعدالدوله به‌عنوان متفکر پارلمانی همه از گروه نمایندگان رادیکال و ترقی‌خواه بودند. (آدمیت، ۱۹۸۵: ۳۶۰-۳۶۶)

بنابراین در نبرد قانون اساسی ترقی‌خواهان و مدافعان سیاست عقلی پیروز شدند زیرا همانگونه که اشاره شد رهبری فکری جامعه را همین گروه بر عهده داشت. روحانیون به دلیل همراهی مردم با ترقی‌خواهان و پذیرش رهبری آنها، با این گروه مدارا نموده و رهبری آنها را در جنبش پذیرفتند.

از سوی دیگر به تأیید اکثر مورخان تدوین (یا ترجمه) نخستین قانون اساسی ۵۱ ماده‌ای توسط حسن پیرنیا و برادرش مرحوم حسین پیرنیا (مؤتمن‌الملک)، فرزندان میرزا نصراله خان نائینی مشیرالدوله صدراعظم وقت، انجام شد. (کسروی، ۱۳۴۹: ۱۷۰) به بیان دیگر نقش اصلی را در تدوین قانون اساسی

روشنفکران بر عهده داشته و روحانیون باوجود تأثیرگذاری بالا در جامعه ایرانی در حاشیه قرار گرفتند. این روند در تدوین متمم قانون اساسی که برای رفع نواقص قانون اولیه صورت گرفته بود ادامه داشت. کمیسیونی هفت نفری متشکل از سعدالدوله، مخبرالملک، مشاورالملک، امین الضرب، سیدنصرالله تقوی، تقی زاده و مستشارالدوله برای تهیه متمم قانون اساسی تعیین شد به علت عدم حضور مخبرالملک و مستشار الملک در کمیسیون، محقق الدوله و صدیق حضرت جایگزین شدند. این کمیسیون از آخر ذیحجه ۱۳۲۴ تا اوایل ربیع‌الاول سال بعد به طول انجامید. اعضا این کمیسیون نماینده افکار مرفعی و قانون بلژیکی و فرانسه اساس کار ایشان بود. (آدمیت، ۱۹۸۵: ۴۵۸-۴۵۹)

بنابراین روشنفکران گوی سبقت را از سایر نمایندگان حاضر در مجلس اول به‌ویژه روحانیت ربوده و در تدوین قانون اساسی این برتری را اعمال نمودند. یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های روشنفکران در تدوین قانون اساسی مبارزه بانفوذ خارجی و غارت منابع ملی بود که البته در این مورد روحانیت نیز همراهی مستقیمی داشت. همچنین بر مبنای شرایط اجتماعی که به آن اشاره شد جامعه نیز با ایشان همراهی می‌نمود. از این رو در قانون اساسی این موضوع تبلور خاصی داشت و این خواسته به حدی برجسته بود که احتشام السلطنه به آن اذعان می‌کند: «در جمع وکلای دوره اول، افراد صمیمی وطن پرست بسیار بود. همچنین افراد خودخواه و شهوت طلب و منفعت پرست هم کم نبود، در حالی که عناصر خائن و عامل خارجه به تحقیق در آن مجلس از تعداد انگشتان یک دست کمتر بود.» (احتشام السلطنه، ۱۳۳۶: ۶۴۸)

۳-۳. متن قانون اساسی مشروطه:

قانون اساسی مشروطه مشتمل بر ۵۱ بند است که در جدول زیر به بندهایی که در مورد کنترل نفوذ قدرت‌های بزرگ و نحوه مواجهه با آنها تدوین شده اشاره می‌شود.

جدول شماره ۲- اصول قانون اساسی مشروطه مرتبط با تحدید نفوذ قدرت‌های خارجی

ردیف	اصل	شرح
۱	یازدهم	در انتهای این اصل آمده است: <u>باساس سلطنت و حقوق ملت خیانت ننمائیم</u>
۲	بیست و دوم	مواردی که قسمتی از عایدات یا دارائی دولت و مملکت منتقل یا فروخته می‌شود یا تغییری در حدود و ثغور مملکت لزوم پیدا می‌کند به تصویب مجلس

	شورای ملی خواهد بود.	
۳	بیست و چهارم	بستن عهدنامه‌ها و مقاوله‌نامه‌ها اعطای امتیازات (انحصار) تجارتي و صنعتی و فلاحتی و غیره اعم از اینکه طرف داخله باشد یا خارجه باید بتصویب مجلس شورای ملی برسد باستثنای عهدنامه‌هایی که استتار آن‌ها صلاح دولت و ملت باشد.
۴	بیست و پنجم	استقراض دولتی بهر عنوان که باشد خواه از داخله خواه از خارجه با اطلاع و تصویب مجلس شورای ملی خواهد شد.
۵	بیست و ششم	ساختن راه‌های آهن یا شوسه خواه بخرج دولت خواه بخرج شرکت و کمپانی اعم از داخله و خارجه منوط به تصویب مجلس شورای ملی است.

در سوگندنامه قانون اساسی مشروطه نمایندگان به عنوان اولین رکن آغاز فعالیت نمایندگی نیز از وفاداری به حکومت و عدم خیانت سخن به میان آمده است. به نظر می‌رسد در فضایی که بسیاری از سیاستمداران ایران در جبهه روس یا انگلیس بوده‌اند این نگرانی در مجلس شورای ملی وجود داشته است که نمایندگان مجلس به سمت دول خارجی گرایش یافته و منافع ملی را فدای روابط با این دول بنمایند. بر همین اساس در قسم‌نامه که آغاز فعالیت نمایندگی است این موضوع تأکید شده است. این امر در بند ۱۱ قانون اساسی نیز نمود دارد.

همچنین قراردادهای سنگین که در دولت قاجار با دول خارجی بسته شد و زمینه‌ساز تسلط بیگانگان بر دارایی‌ها و بخشی از سرزمین ایران شد، یکی از نگرانی‌های اصلی نمایندگان است. قراردادهای سنگینی چون گلستان و ترکمانچای با روس و قراردادهای رژی و رویتز با انگلیس در خاطره ایرانیان نقش بسته و مجلس به‌عنوان نماینده مردم ایران درصدد پایان دادن به این سنخ قراردادها است که موجودیت و هویت ایران را نشانه رفته است. بر این اساس در قانون اساسی مشروطه اصول ۲۵، ۲۶ و ۲۷ در ادامه و تأیید کننده اصل بیست و دوم است. نمایندگان مجلس اول با مطرح کردن این چهار اصل پیاپی بر اهمیت موضوع مهار نفوذ بیگانگان تأکید نموده و هرگونه استقراض، امتیاز، عهدنامه و مقاوله نامه و همکاری عمرانی و ... با خارجیان را بدون هماهنگی مجلس ممنوع کردند. شایان ذکر است در قانون اساسی مشروطه با ۵۱ اصل، ۴ اصل پیاپی برای مهار نفوذ خارجی آمده

است. قانونی که در بسیاری از موارد دارای نقصان است و یک سال بعد متمم آن نوشته می‌شود. در زمینه نحوه مواجهه با دول بزرگ تمامی مسائل آن زمان را به‌دقت رصد نموده و در قانون اعمال کرده است.

ردیف	اصل	شرح
۱	سوم	حدود مملکت ایران و ایالات و ولایات و بلوکات آن تغییر پذیر نیست مگر بموجب قانون.
۲	ششم	جان و مال اتباع خارجه مقیمین خاک ایران مأمون و محفوظ است مگر در مواردیکه قوانین مملکتی استثناء می‌کند.
۳	سی و نهم قسم یاد میکنم که تمام هم خود را مصروف حفظ استقلال ایران نموده حدود مملکت و حقوق ملت را محفوظ و محروس بدارم
۴	چهل و سوم	شخص پادشاه نمیتواند بدون تصویب و رضای مجلس شورای ملی و مجلس سنا متصدی امور مملکت دیگری شود.
۵	پنجاه و سوم	فصول مخفیة هیچ عهدنامه مبطل فصول آشکار آن عهدنامه نخواهد بود.
۶	پنجاه و هشتم	هیچکس نمی‌تواند به مقام وزارت برسد مگر آن که مسلمان و ایرانی الاصل و تبعه ایران باشد.
۷	صد و هشتم	هیچ قشون نظامی خارجه به خدمت دولت قبول نمی‌شود و در نقطه‌ای از نقاط مملکت نمی‌تواند اقامت یا عبور کند مگر به موجب قانون.

جدول شماره ۳- اصول متمم قانون اساسی مشروطه مرتبط با تحدید نفوذ قدرت‌های خارجی در متن متمم قانون اساسی مشروطه نقش دین در مقایسه با قانون اساسی مشروطه به‌شدت پررنگ شده است ولی نکته جالب اینکه چارچوب قانون اساسی مشروطه در مورد نحوه مواجهه با دول خارجی بدون تغییر مانده است. زیرا گفتمان ملی محور مبتنی بر حفظ قلمرو و تمامیت ارضی کشور از دست اندازی و نفوذ بیگانگان بر متن قانون اساسی مشروطه و متمم آن سایه انداخته است. اهمیت

این موضوع موجب شده است که بازنویسی در متمم قانون اساسی نه تنها حوزه نفوذ خارجی را کاهش ندهد بلکه بر محدودیتهای آن بیافزاید. در این رابطه می توان به محدودیتهای قشون نظامی خارجی و انتصاب مقامات خارجی اشاره کرد. بنابراین با وجود تغییراتی در متمم با تقویت نقش روحانیت به دلیل حاکم شدن گفتمان ملی محور بر روند تدوین و تصویب متمم قانون اساسی، بر غلظت تحدید نفوذ خارجی افزوده شود.

۴- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران:

تدوین قانون اساسی پس از پیروزی انقلاب اسلامی (همانند انقلاب مشروطه) برای ایجاد ساختار جدید بر ویرانه‌های حکومت پیشین و در راستای رفع نگرانی‌ها و دغدغه‌های انقلابیون بود. بر همین اساس جبهه فاتحان انقلاب اسلامی تدوین قانون اساسی را اولویتهای خود قرار دادند. در تاریخ ۱۲ مرداد ۱۳۵۸ انتخابات مجلس خبرگان قانون اساسی برگزار و نمایندگان ملت از تاریخ ۲۸ مرداد تدوین قانون را آغاز کرده و در تاریخ ۲۴ آبان سال ۵۸ به انتها رساندند. مردم نیز با مشارکت در فرآیندوم ۱۱ و ۱۲ آذر با بیش از ۹۸ درصد قانون اساسی را به تصویب رساندند.

۱-۴. زمینه‌های انقلاب اسلامی:

محمدرضا شاه پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ اقدام به تقویت قدرت و انحصارگری خود در ایران نمود. وی قدرتش را بر سه رکن نیروهای مسلح و شبکه حمایت دربار و بوروکراسی عریض و طویل دولتی تحکیم کرد و در ادامه با تشکیل حزب رستاخیز رکن چهارم را برای ایجاد نوعی دیکتاتوری نظامی کهنه در قالب دولت تک‌حزبی و توتالیتر فراهم ساخت (آبراهامیان، ۱۳۷۹: ۳۹۸ و ۴۰۴). اما سطح بین‌الملل نیز دستخوش حوادثی بود که روند انحصارگری شاه را تشدید می‌نمود. تغییر نگاه آمریکا نسبت به جهان پس از شکست هندوچین (ویتنام)، باعث تقویت نفوذ ایران به‌عنوان ژاندارم منطقه شد. صدور تسلیحات نوین در راستای تقویت جایگاه منطقه‌ای، موجب افزایش تعداد مستشاران نظامی آمریکا در ایران شد که این موضوع خوش‌آمد ملی‌گرایان به‌عنوان حامیان سیاسی شاه نبود. از سوی دیگر ریاست جمهوری کارتر و تأکید وی بر حقوق بشر باعث افزایش نگرانی و احساس عدم امنیت شاه شد. بنابراین دولت از یک‌سو درگیر طبقات اجتماعی و ملی‌گراها و از سوی دیگر تحت فشار قدرت‌های خارجی قرار داشت. از این رو می‌توان گفت

گسترش نفوذ آمریکا در ایران تأثیرات مخربی بر وجهه شاه در بین مردم داشت. به‌ویژه خاطرات کودتای ۲۸ مرداد که با دخالت و حمایت تمام‌قد آمریکا منجر به سقوط دولت مردمی مصدق شد. بر اساس این اتمسفر سیاسی، اقبال مردم به سمت نهاد دین و روحانیت با توجه به نگرش ضد غربی آنها، قابل فهم است. (گل محمدی، ۱۳۷۵: ۸۹-۱۰۶) به‌بیان‌دیگر غرب‌ستیزی و مقابله بانفوذ خارجی یکی از دلایل اصلی مخالفت با شاه بود که از سوی عامه مردم، جناح چپ و ملی‌گراها به‌شدت پیگیری می‌شد و از مبانی اتحاد و توافق گروه‌های ضد حکومت بود. از این‌رو ترس از دخالت خارجی و نفوذ کشورهای بیگانه در ایران حتی پس از مشروطه نیز در ذهن جامعه ایرانی باقی ماند و از هر فرصتی برای ابراز ناخشنودی در این رابطه استفاده نمود. نمونه تاریخی دیگری که می‌توان از آن نام برد تسخیر لانه جاسوسی توسط دانشجویان است. اهمیت نکته هدایت این جریان توسط دانشجویان به‌عنوان قشری تحصیل‌کرده و پیشرو در جامعه ایران بود. از سوی دیگر با عنایت به غیرمردمی بودن حکومت‌های ایرانی، همواره حاکمان برای تثبیت خود به قدرت‌های خارجی متکی بوده‌اند. حمایت تمام‌قد قدرت‌های خارجی از حکومت‌های ایرانی موجب می‌شد ضعف کارکردی و ساختاری حکومت به پای دول خارجی نوشته شده و درنهایت منجر به تشدید نفرت عمومی از قدرت‌های خارجی گردد. گفتنی است فضای اجتماعی و سیاسی ایران همواره مستعد وطن‌پرستی و بیگانه‌ستیزی بوده است که نشانه بارز آن در فرهنگ ایرانی و به‌ویژه در شاهنامه فردوسی نمود دارد (رضایی‌راد، ۱۳۷۸: ۲۱۷-۲۱۹). بنابراین نفرت از بیگانگان و باور بر حسادت آنها نسبت به سرزمین برگزیده از گذشته‌های دور همواره در فرهنگ ایرانی بروز و ظهور داشته است و اتفاقات تاریخی از جمله حوادث منتهی به انقلاب اسلامی، موجب تقویت این تفکر شده است.

۲-۴. نویسندگان قانون جمهوری اسلامی

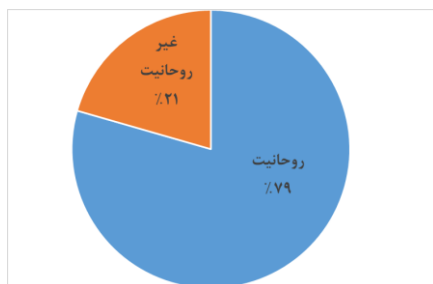
فکر تدوین قانون اساسی جدید حتی قبل از پیروزی انقلاب در سخنان آیت‌الله خمینی در دی ۱۳۵۷ تبلور یافت (امام خمینی، ۱۳۸۶: ۴۷۰) از این‌رو حسن حبیبی برای تدوین پیش‌نویس قانون اساسی توسط ایشان مأموریت یافت. (رحیمی، ۱۳۸۷: ۶۹) وی پس از حضور در ایران با مشارکت هیئتی مرکب از محمدجعفر جعفری لنگرودی، فضل‌الله بنی‌صدر، عبدالکریم لاهیجی، ناصر میناجی و ناصرکاتوزیان پیش‌نویس ۱۵۰ ماده‌ای را تدوین نمودند. (کاتوزیان، ۱۳۸۲: ۱۲۴) پس از تصویب در

هیأت دولت و شورای انقلاب مقرر شد برای اصلاح و تأیید نهایی به مجلس خبرگان قانون اساسی عرضه شود. شایان ذکر است که دو نگاه متفاوت در خصوص چگونگی به تصویب رساندن متن قانون اساسی بوجود آمد. نگاه مکتبی یا طرفداران اسلام فقاهتی با عنایت به شرایط حساس کشور و نیاز فوری به قانون اساسی درخواست برگزاری رفراندوم برای تصویب آن را داد و گروه دوم یا لیبرالها خواستار تشکیل مجلس موسسان و بررسی متن قانون اساسی در آن و سپس ارائه به ارای مردمی شد. در نهایت با وساطت آقای طالقانی و تأیید امام خمینی مقرر شد که مجلس خبرگان قانون اساسی با تعدادی محدود تشکیل و پس از بررسی قانون اساسی برای تأیید نهایی مردم به رفراندوم گذاشته شود که زمینه برتری گروه مکتبی را فراهم نمود. (بهشتی سرشت و صابر، ۱۳۹۳-۹۴: ۹۳-۹۵)

انتخابات مجلس خبرگان در تاریخ ۲۱ مرداد ۱۳۵۸ برگزار شد و جریان‌های مختلف برای کسب ۷۳ کرسی به رقابت پرداختند. (فوزی، ۱۳۸۴، ج ۱: ۲۴۹) در انتخابات سه قطب اصلی شکل گرفت در یک طرف تشکل‌های جامعه مدرسین، جامعه روحانیت، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، حزب موتلفه و حزب جمهوری قرار داشتند که موجب شکل‌گیری ائتلاف بزرگ مکتبی‌ها شده بود و در سوی دیگر کاندیدای مورد حمایت نهضت آزادی و قطب دیگر متشکل از گروه‌های سیاسی سازمان مجاهدین خلق، جنبش مسلمانان مبارز، جنبش انقلابی مردم مسلمان ایران، جنبش برای آزادی و سازمان اسلامی شورا بود. (بهشتی سرشت و صابر، ۱۳۹۳-۹۴: ۲۴) پس از انتخابات ۱۲ مرداد ۱۳۵۸ مجلس خبرگان قانون اساسی از مجموع ۷۳ نماینده، ۴۱ نفر مجتهد، ۱۲ نفر درس خارج، ۳ نفر آشنا به سطح و ۲ نفر آشنا به مقدمات بودند بنابراین ۵۸ نفر از ۷۳ نفر دارای تحصیلات حوزوی بودند.

نمودار شماره (۲) - سهم روحانیت و رقیبان در کرسی‌های مجلس خبرگان قانون اساسی

نویسندگان قانون اساسی اسلامی نمایندگان اسلام فقاهتی بودند که توانستند با شکست دادن عناصر لیبرال و چپ اکثریت قابل توجهی (۷۹ درصد) از مجلس خبرگان قانون اساسی را به دست بگیرند. بنابراین پس از تدوین و تصویب مقررات قانون اساسی، بر اساس قوانین اخذ شده از کتاب و سنت توسط خبرگان، به تأیید فقیه بزرگ و اعلم عصر و مؤسس نظام جمهوری اسلامی، حضرت امام خمینی (ره) رسید و بعد از آن با ۹۹/۵ درصد به تصویب عموم مردم رسید. (صفر، ۱۳۷۲: ۶-۷)



بنابراین برخلاف مشروطه که روحانیت در سایه قرار گرفته و نقشی کم‌رنگ در تدوین قانون اساسی ایفا نمود در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از حاشیه به متن آمده و روند تدوین قانون اساسی را در دست گرفت.

۳-۴. متن قانون اساسی جمهوری اسلامی:

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از یک مقدمه و ۱۷۵ اصل تشکیل شده است که در جداول زیر به مواردی که در مقدمه در رابطه با کنترل و تحدید نفوذ قدرت‌های خارجی است، اشاره شده است.

ردیف	مقدمه	شرح
۱	طلیعه نهضت	اعتراض در هم کوبنده امام خمینی به توطئه آمریکایی «انقلاب سفید» که گامی در جهت تثبیت پایه‌های حکومت استبداد و تحکیم وابستگی‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی ایران به امپریالیزم جهانی بود علیرغم تبعید ایشان از ایران در پی اعتراض به قانون ننگین کاپیتولاسیون (مصونیت مستشاران آمریکایی) پیوند مستحکم امت با امام همچنان استمرار یافت....
۲	حکومت اسلامی در چنین خطی نهضت ادامه یافت تا سرانجام نارضایی‌ها و شدت خشم مردم بر اثر فشار و اختناق روزافزون در داخل و افشاگری و انعکاس مبارزه بوسیله روحانیت و دانشجویان مبارز در سطح جهانی، بنیادهای حاکمیت رژیم را به شدت متزلزل کرد و به ناچار رژیم و اربابانش مجبور به کاستن از فشار و اختناق و به اصطلاح باز کردن فضای سیاسی کشور شدند
۳	بهایی که ملت پرداخت ۲۱ و ۲۲ بهمن سال یکهزار و سیصد و پنجاه و هفت روزهای فروریختن بنیاد شاهنشاهی شد و استبداد داخلی و سلطه خارجی متکی بر آن را در هم شکست و با این پیروزی بزرگ طلیعه حکومت اسلامی که خواست دیرینه مردم مسلمان بود نوید پیروزی نهایی را داد.

در جدول فوق به مقدمات قانون اساسی اشاراتی شده است جالب اینکه در این مقدمات با اشاره به

ردیف	اصول	شرح
۵	اصل دوم	نفی هر گونه ستمگری و ستم‌کشی و سلطه‌گری و سلطه‌پذیری،
۶	اصل سوم	بند ۵. طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب. بند ۱۶. تنظیم سیاست خارجی کشور بر اساس معیارهای اسلام، تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان و حمایت بی‌دریغ از مستضعفان جهان.
۷	اصل یازدهم	به حکم آیه کریمه «ان هذه امتکم امه واحده و اننا ربکم فاعبدون» همه مسلمانان یک امت‌اند و دولت جمهوری اسلامی ایران موصف است سیاست کلی خود را بر پایه ایتلاف و اتحاد ملل اسلامی قرار دهد و کوشش به عمل آورد تا وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام را تحقق بخشد.
۸	اصل هفتاد و هفتم	عهدنامه‌ها، مقاوله‌نامه‌ها، قراردادهای موافقت‌نامه‌های بین‌المللی باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد.
۹	اصل هفتاد و هشتم	هر گونه تغییر در خطوط مرزی ممنوع است مگر اصلاحات جزئی با رعایت مصالح کشور، به شرط این که یک طرفه نباشد و به استقلال و تمامیت ارضی کشور لطمه نرساند و به تصویب چهار پنجم مجموع نمایندگان مجلس شورای اسلامی برسد.
۱۰	اصل هشتادم	گرفتن و دادن وام یا کمک‌های بدون عوض داخلی و خارجی از طرف دولت باید با تصویب مجلس شورای اسلامی باشد.
۱۱	اصل هشتاد و یکم	دادن امتیاز تشکیل شرکتها و مؤسسات در امور تجارتي و صنعتی و کشاورزی و معادن و خدمات به خارجیان مطلقاً ممنوع است.
۱۲	اصل هشتاد و دوم	استخدام کارشناسان خارجی از طرف دولت ممنوع است مگر در موارد ضرورت با تصویب مجلس شورای اسلامی.
۱۳	اصل یکصد و بیست و یکم	سوکند رئیس جمهور: در حراست از مرزها و استقلال سیاسی و اقتصادی و فرهنگی کشور از هیچ اقدامی دریغ نورزم
۱۴	اصل یکصد و بیست و پنجم	امضای عهدنامه‌ها، مقاوله‌نامه‌ها، موافقت‌نامه‌ها و قراردادهای دولت ایران با سایر دولتها و همچنین امضای پیمان‌های مربوط به اتحادیه‌های بین‌المللی پس از تصویب مجلس شورای اسلامی با رئیس‌جمهور یا نماینده قانونی او است.

۱۵	اصل یکصد و سی و نهم	اصلح دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی یا ارجاع آن به داوری در هر مورد، موکول به تصویب هیئت‌وزیران است و باید به اطلاع مجلس برسد. در مواردی که طرف دعوی خارجی باشد و در موارد مهم داخلی باید به تصویب مجلس نیز برسد. موارد مهم را قانون تعیین می‌کند.
۱۶	اصل یکصد و چهل و پنجم	هیچ فرد خارجی به عضویت در ارتش و نیروهای انتظامی کشور پذیرفته نمی‌شود
۱۷	اصل یکصد و چهل و ششم	استقرار هر گونه پایگاه نظامی خارجی در کشور هر چند به عنوان استفاده‌های صلح‌آمیز باشد ممنوع است.
۱۸	اصل یکصد و پنجاه و دوم	سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس نفی هر گونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه‌جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرتهای سلطه‌گر و روابط صلح‌آمیز متقابل با دول غیر محارب استوار است.
۱۹	اصل یکصد و پنجاه و سوم	هر گونه قرارداد که موجب سلطه بیگانه بر منابع طبیعی و اقتصادی، فرهنگ، ارتش و دیگر شئون کشور گردد ممنوع است.
۲۰	اصل یکصد و پنجاه و چهارم	جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می‌شناسد. بنابراین در عین خودداری کامل از هر گونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر، از مبارزه حق‌طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند.

موضوعاتی چون «انقلاب سفید» و «کاپیتولاسیون» و کلماتی مانند «ضد استعماری»، «رژیم و اربابانش» و «سلطه خارجی» سعی در تبیین مقابله با نفوذ بیگانگان دارد. به بیان دیگر در بخش ورودی به قانون اساسی به‌روشنی مسیر حرکت مشخص می‌شود. لذا در ادامه و در اصول قانون اساسی تمهیداتی برای جلوگیری از ایجاد شرایط مشابه و رفع دغدغه‌های پیش از انقلاب اتخاذ می‌گردد.

ردیف	مقدمه	شرح
۴	شبهه حکومت در اسلام	...ملت ما در جریان تکامل انقلابی خود از غبارها و زنگارهای طاغوتی زدوده شد و از آمیزه‌های فکری بیگانه خود را پاک نمود و به مواضع فکری و جهان بینی اصیل اسلامی بازگشت ... قانون اساسی با توجه به محتوای اسلامی انقلاب ایران که حرکتی برای پیروزی تمامی مستضعفین بر مستکبرین بود زمینه تداوم این انقلاب را در داخل و خارج کشور فراهم می‌کند بویژه در گسترش روابط بین‌المللی، با دیگر جنبش‌های اسلامی و مردمی می‌کوشد تا راه تشکیل امت واحد جهانی را هموار کند (ان هذہ امتکم امه واحده و اناریکم فاعبدون) و استمرار مبارزه در نجات ملل محروم و تحت ستم در تمامی جهان قوام یابد.

مطالب فوق در مقدمات قانون اساسی به روشنی نشانگر ایده شکل‌گیری امت اسلامی بر مبنای اتحاد میان جهان اسلام در جهت مقابله با استعمار و سلطه خارجی است. از این رو گفتمان امت محور مبنای تدوین این قانون قرار گرفته است. همانگونه که اشاره شد در قانون اساسی مشروطه و متمم آن با وجود تقویت نگاه دینی، گفتمان ملی محور در راستای تحدید نفوذ خارجی حاکم بوده است. ولی در قانون اساسی جمهوری اسلامی با عنایت به بستر اجتماعی و سیاسی و فکری و مقاصد و نیت نویسندگان مولفان، گفتمان امت محور مسلط شده است. در همین راستا به مهم‌ترین اصول قانون اساسی در خصوص رویکرد به قدرت‌های خارجی و جلوگیری از نفوذ و سیطره آنها، اشاره خواهد شد.

همانگونه که در جدول فوق مشاهده می‌شود استیلاي گفتمان امت محور موجب می‌شود در بسیاری از اصول قانون جمهوری اسلامی از جمله اصول دوم، سوم، یازدهم، یکصد و پنجاه و دوم و یکصد و پنجاه و چهارم نسبت به قانون مشروطه و متمم آن تغییرات اساسی ایجاد شود. این اصول بر خلاف اصول قانون مشروطه و متمم آن محصور در مرزها و قلمرو کشور نبوده و در حال مبارزه با نفوذ کشورهای خارجی در فراتر از مرزهای جغرافیایی ایران اسلامی است. استفاده از عباراتی چون مستضعفین در برابر مستکبرین به نیکی بیانگر تفاوت‌های اساسی در نیت مولفان قانون اساسی جمهوری اسلامی با قانون اساسی مشروطه است. البته لازم به ذکر است که شرایط اجتماعی و سیاسی دو انقلاب نیز در شکل‌گیری این تفاوت بسیار موثر بوده‌اند.

۵- مقایسه مفاهیم در متون دو قانون

در راستای مقایسه بهتر متون دو قانون اساسی، برخی از مفاهیم کلیدی که بیانگر راهبرد دو قانون در رابطه با تحدید نفوذ خارجی هستند، مورد بررسی قرار خواهند گرفت تا از زاویه ای دیگر نیز بتوان نگاهی بر راهبردهای دو قانون اساسی در مواجهه با نفوذ خارجی داشت.

اولین واژه پراهمیت و مشترک در دو قانون اساسی در این رابطه، مفهوم ملت است. در قانون اساسی مشروطه و جمهوری اسلامی ملت مترادف با مردم ایران می‌باشد و در چارچوبه و قلمرو جغرافیایی ایران قابل تحلیل است. در جدول زیر میزان اشاره به واژه ملت مشخص شده است در قانون مشروطه و متمم آن ملت در برخی مواقع با واژه ایرانی همراه بوده است در حالی که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ۴ بار **ملت مسلمان** آمده است که منظور همان ملت مسلمان ایران است. همانگونه که در جدول زیر مشهود است به مرور زمان استفاده از واژه ملت افزوده شده است که بیانگر افزایش اهمیت ایران و ایرانی و مرزبندی با بیگانگان در طی زمان است. به بیان دیگر شرایط محیطی موجب شده است که مولفان قانون اساسی احساس کنند که باید تأکید بیشتری بر واژه ملت داشته باشند.

واژه ملت		
قانون مشروطه	متمم مشروطه	قانون جمهوری اسلامی
۷	۱۱	۲۹

واژه دیگر تمامیت ارضی و حفظ جغرافیای ایران است. در زمان قاجار بسیاری از مناطق ایران توسط قراردادهای خفت‌بار از خاک ایران جدا شد و به بیگانگان واگذار گردید. این روند در زمان پهلوی نیز با شدت کمتری ادامه داشت که بازتابهای منفی بسیاری در جامعه ایرانی داشت. بنابراین حفظ تمامیت ارضی یکی دیگر از مطالبات تدوین‌کنندگان قوانین اساسی بود. از این رو ممانعت از واگذاری امتیازات خارجی و قراردادهای تجاری و مالی با شرکت‌های و دول خارجی در همه قوانین حضور پررنگی دارد. یکی از نقاط مشترک قوانین اساسی در مورد نحوه مواجهه بانفوذ خارجی همین تأکید بر محدودسازی هرگونه قرارداد و پیمان تجاری و مالی و عمرانی با شرکت‌ها و دول خارجی است. البته در متمم قانون مشروطه و قانون اساسی جمهوری اسلامی موادی در رابطه با حضور نظامیان و مستشاران خارجی بر آن افزوده شده است که در پی کاهش محدوده نفوذ بیگانگان است.

گفتنی است که ادامه روند واگذاری امتیازات حتی پس از انقلاب مشروطه در زمان پهلوی اول و به ویژه پهلوی دوم موجب شده است که تکرار این واژه در قانون اساسی جمهوری اسلامی بسیار بیشتر از قانون های قبلی باشد. به بیان دیگر، مولفان قانون در پی سخت تر کردن اعطای امتیازات به اتباع خارجی بدون نظارت مجلس شورای اسلامی بوده اند.

واژه در رابطه با حفظ تمامیت ارضی		
قانون مشروطه	متمم مشروطه	قانون جمهوری اسلامی
۱	۲	۴
واژه امتیازات و فعالیت‌های مالی و تجاری خارجی		
قانون مشروطه	متمم مشروطه	قانون جمهوری اسلامی
۴	۳	۱۰

واژه پراهمیت دیگر، اسلام و اسلامی در قانون اساسی جمهوری اسلامی و مشروطه است. در قانون اساسی مشروطه از واژه اسلام و اسلامی استفاده نشده است که بیانگر نفوذ اندک روحانیون در تدوین این قانون است. در متمم نفوذ روحانیت مقداری بسط یافته ولی اوج نفوذ در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است که ۱۷۶ بار از واژه اسلام و اسلامی استفاده شده است. به بیان دیگر به طور متوسط در هر اصل قانون اساسی یکبار از این واژگان استفاده شده است. نکته قابل توجه در رابطه با این واژه در قانون اساسی مشروطه و جمهوری اسلامی، معنا و کاربرد آن است. به نحوی که در قانون مشروطه واژه اسلام و اسلامی برای تأکید بر پیروی قوانین از اصول اسلامی بوده و کاربردی در رابطه با کنترل نفوذ خارجی ندارد. در حالی که در قانون اساسی جمهوری اسلامی، این دو واژه در بسیاری از موارد به ویژه مواردی که به صورت ترکیبی با واژه امت به کار برده شده اند کاملاً نگاه فرا ملی داشته است.

تکرار واژه اسلام و اسلامی		
قانون مشروطه	متمم مشروطه	قانون جمهوری اسلامی
۰	۹	۱۷۶

در کنار واژه اسلام، واژه امت تکمیل کننده تفاوت‌های اساسی متون قوانین اساسی مذکور است. به

نحوی که در قانون اساسی مشروطه و متمم آن به دلیل تدوین توسط روشنفکران و زمینه های اجتماعی و سیاسی، دغدغه امت اسلامی وجود نداشته است، ولی در قانون اساسی جمهوری اسلامی این موضوع به صورت مبنایی مورد توجه قرار گرفته است. در قانون اخیر، یازده بار از واژه امت استفاده شده است که ۶ بار آن خطاب به جهان اسلام است و ۷ بار معنای ملت از آن فهم می شود. واژه امت اسلامی که ترکیبی از دو واژه مذکور است، یکی از مهم ترین کلید واژه های قانون اساسی جمهوری اسلامی است که بر آمده از گفتمان امت محور قانون اساسی جمهوری اسلامی است. به بیان دیگر استفاده مکرر از واژه امت و اسلام ترکیب آن (امت اسلامی) در قانون اساسی جمهوری اسلامی ذیل گفتمان امت محور قابل تفسیر است.

واژه امت		
قانون مشروطه	متمم مشروطه	قانون جمهوری اسلامی
۰	۰	۱۳

در پایان ارزیابی واژگان متن دو قانون اساسی باید به این نکته اشاره کرد که ارزیابی صورت گرفته حاکی از شباهت های فراوانی میان قانون اساسی مشروطه و جمهوری اسلامی در تحدید نفوذ خارجی وجود دارد ولی در قانون اساسی جمهوری اسلامی واژگان بار معنایی وسیع تر و گسترده تری از جغرافیای سیاسی کشور داشته اند. این امر ناشی از تغییر گفتمان حاکم بر دو قانون اساسی است. در حالی که گفتمان حاکم بر قانون اساسی مشروطه و متمم آن ملی محور و در چارچوبه کشور بوده، گفتمان امت محور بر اساس شرایط و استیلائی نگرش اسلام فقاهتی در تدوین آن، نگاه آرمانگرایانه و جهانی داشته است. بهره گیری از این دو گفتمان که بر آمده از شرایط محیطی و نیات مولفان است برای تفسیر دو قانون اساسی می تواند تفاوت های موجود را آشکار ساخته و زمینه ساز فهم دقیق تر را فراهم نماید.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

راهبرد مقابله با تهدید خارجی در عصر مدرن به مقدار زیادی نشأت گرفته از قوانین اساسی تدوین شده پس از انقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی است. از این رو در این پژوهش تلاش شد با توجه به فاصله زمانی نگارش از روش اسکینز برای مقایسه تغییر راهبرد در دو قانون اساسی بهره ببرد. بر اساس این روش بسترها و زمینه‌های سیاسی و اجتماعی و سپس مولفان قوانین مورد ارزیابی قرار گرفته و بر اساس تحلیل مذکور، متن دو قانون اساسی مقایسه شد. بررسی زمینه‌ها و بسترهای اجتماعی و سیاسی شکل‌گیری دو انقلاب عصر معاصر ایران بیانگر این است که کنترل قدرت خارجی و تحدید دست‌اندازی بیگانگان یکی از دغدغه‌های اصلی انقلابیون بوده است. بنابراین خواسته مذکور در درون‌متن هر دو قانون اساسی ایران نمود فراوانی دارد. تفاوت زمینه و بستر تاریخی شکل‌گیری دو متن زمینه ساز تفاوت در نگارش متن را ایجاد کرده است. به نحوی که علیرغم اشتراک در تحدید نفوذ بیگانگان، در نحوه مقابله با آن دو راهبرد متفاوت توسط انقلابیون مورد استفاده قرار گرفت که این امر ناشی از ایده‌ها و تفکرات طراحان دو قانون اساسی است. نویسندگان و طراحان قانون اساسی مشروطه روشنفکران بودند. باوجود اینکه روحانیون نیز در فرآیند انقلاب مشارکت جدی داشته و پا به پای روشنفکران در مبارزه حضور داشتند ولی به دو دلیل روشنفکران دست بالا را در تدوین قانون اساسی داشتند. اول اینکه روحانیت علاقه و سابقه‌ای در این خصوص نداشت ولی در مقابل روشنفکران به دلیل آشنایی با غرب و حضور فعال در روند اصلاحی که از زمان ناصرالدین‌شاه آغاز شده بود با فرآیندهای جدید از جمله مجلس و قانون اساسی بیگانه نبودند. دوم اینکه باوجود محبوبیت و اقبال مردمی روحانیون، عدم تمایل به مشارکت در انتخابات مجلس موجب شد روشنفکران برتری را در مجلس کسب کرده و بر مبنای تفکرات خود عمل نمایند. راهبرد روشنفکران برای مقابله بانفوذ قدرت‌های خارجی، بر اساس گفتمان ملی با رویکرد حفظ چارچوبه قلمرو ملی بود که در قانون اساسی نمود فراوانی داشت. ولی در انقلاب اسلامی رروحانیت با توجه به اندوخته‌ها و تجربیات انقلاب مشروطه به عرصه آمده و قدرت را در دست گرفت. بر همین اساس ۷۹ درصد از کرسی‌های مجلس خبرگان قانون اساسی در اختیار روحانیت قرار گرفت. تسلط روحانیون بر مجلس خبرگان قانون اساسی زمینه‌ساز تسلط اندیشه اسلام فقاهتی و

تغییر پارادایم از گفتمان ملی محور به گفتمان امت محور داشت. بر اساس این گفتمان، راهبرد حفظ قلمرو ملی به راهبرد توسعه نفوذ مبدل گشت. تغییر راهبرد جمهوری اسلامی ایران موجب شد حمایت از مسلمانان جهان وارد ادبیات سیاست خارجی شده و محور مقاومت را ایجاد نماید. به بیان دقیقتر گفتمان امت محور شرایط را به سمت تقویت حمایت از مسلمانان به ویژه در منطقه شده و زمینه بسط نفوذ جمهوری اسلامی ایران را فراهم نمود.

فهرست منابع:

۱. اسکینر، کوئنتین (۱۳۹۳) *بینشهای علم سیاست؛ جلد اول: در باب روش*، مترجم: فریبرز مجیدی، تهران: فرهنگ جاوید
۲. قاضی، ابوالفضل (۱۳۷۰) *حقوق اساسی و نهادهای سیاسی*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، جلد اول، چاپ دوم،
۳. آدمیت، فریدون (۱۹۸۵) *ایدئولوژی نهضت مشروطه ایران*، سوئد: کانون کتاب ایران، جلد نخستین، (تهران: انتشارات پیام)
۴. فوزی، یحیی (۱۳۸۴) *تحولات سیاسی اجتماعی بعد از انقلاب اسلامی در ایران*، تهران: عروج، چاپ اول
۵. آبراهامیان، یرواند (۱۳۷۷) *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه احمد گل محمدی و محمد ابراهیم فتاحی ولیلایی، تهران: نشر نی
۶. خمینی، سیدروح الله (۱۳۸۶)، *صحیفه امام*، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ چهارم
۷. مطهری، مرتضی (۱۳۹۰) *نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر*، تهران: انتشارات صدرا
۸. میرزاصالح، غلامحسین (۱۳۸۴) *مذاکرات مجلس اول ۱۳۲۶-۱۳۲۴*، تهران: مازیار
۹. احتشام السلطنه، محمود (۱۳۶۶) *خاطرات احتشام السلطنه*، به کوشش محمد مهدی موسوی، تهران: زوار

۱۰. کسروی، احمد (۱۳۴۹) تاریخ مشروطه ایران، تهران: امیرکبیر، ۱۳۴۹
۱۱. رضایی راد، محمد، (۱۳۷۸) اندیشه سیاسی در خرد مزدایی، تهران، انتشارات طرح نو
۱۲. دهقانی فیروزآبادی، جلال، نوری، وحید (۱۳۹۱) سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوران اصول‌گرایی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)
۱۳. قوام، عبدالعلی (۱۳۷۳) سیاستهای مقایسه‌ای، تهران: انتشارات سمت
۱۴. صفار، محمدجواد (۱۳۷۲) آشنایی با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، چاپ چهارم، انتشارات مرکز آموزش مدیریت دولتی
۱۵. محمود پناهی، سید محمد رضا (۱۳۹۴) بررسی روش‌شناسی هرمنوتیک قصدگرای اسکینر، فصلنامه سیاست پژوهی، دوره دوم، شماره ۳
۱۶. زرگری نژاد، غلامحسین (۱۳۸۶) عباس میرزا نخستین معمار بنای نظام جدید، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، شماره ۵
۱۷. قصریان فرد، هادی، خسروی زاده، صباح (۱۳۹۱) مقایسه جامعه‌شناختی آخرین مجلس عصر مشروطیت با اولین دوره قانون‌گذاری جمهوری اسلامی ایران، پیام بهارستان، تابستان ۱۳۹۱، شماره ۱۶
۱۸. پورخداقلی، مجید و نوذری، حسینعلی (۱۳۸۹) روش‌شناسی مطالعه اندیشه سیاسی: متدولوژی کوئنتین اسکینر، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، شماره یازدهم، تابستان
۱۹. گل محمدی احمد، (۱۳۷۵) زمینه بسیج مردمی در انقلاب اسلامی ایران، راهبرد، شماره ۹، بهار
۲۰. خجسته رحیمی، رضا (۱۳۸۷) احمد آقا طرف ملاها بود؛ گفتگو با سید صادق طباطبایی، هفته‌نامه خبری - تحلیلی شهروند امروز، سال سوم، شماره ۴۹
۲۱. کاتوزیان ناصر (۱۳۸۲)، گذری بر تدوین پیش‌نویس قانون اساسی، نشریه حقوق اساسی، سال اول، پائیز
۲۲. بهشتی سرشت، محسن و صابر، حسین (۱۳۹۳-۹۴) تاریخچه تدوین قانون اساسی

جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه ژرفا پژوه، سال دوم شماره ۳ و ۲، زمستان و بهار
۹۳-۹۴

۲۳. مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۷) از گفتمان انقلاب اسلامی تا گفتمان سیاست خارجی،
فصلنامه سیاست خارجی، سال سی و دوم، شماره ۴، زمستان

۲۴. رضایی پناه، امیر و حاجی یوسفی، امیرمحمد (۱۳۹۹) مبانی عمل گرایانه موعود گرایی
در گفتمان سیاست خارجی امام خمینی(س)، پژوهشنامه متین، سال بیست و دوم،
شماره هشتاد و هفت، تابستان

۲۵. سعیدی نژاد، حمیدرضا و ویسی، زینب (۱۳۹۰) گفتمان مشروطیت و تاثیر آن بر روابط
خارجی ایران (۱۲۹۹-۱۲۸۵)، دانشنامه حقوق و سیاست، شماره ۱۵، بهار و تابستان

۲۶. فاضلی، حبیب الله (۱۳۹۱) استقلال قوا و سیاست خارجی در قانون اساسی جمهوری
اسلامی ایران، فصلنامه دانش حقوق عمومی، دوره ۱، شماره ۱، بهار

۲۷. بهشتی، ملیحه و دیگران (۱۳۹۸) اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از
منظر قانون اساسی، نامه الهیات، دوره ۱۲، شماره ۴۹

۲۸. عمیدزنجانی، عباسعلی و توکلی، محمدمهدی (۱۳۹۱) مبانی دینی اصول سیاست
خارجی جمهوری اسلامی ایران، مطالعات حقوق خصوصی (حقوق)، دوره ۴۲،
شماره ۲، تابستان